

## کیفیت برنامه درسی و آموزش دانشگاهی با رویکردی پدیدارشناسانه

### چارچوبی برآمده از خودمردم نگاری

#### The Quality of Higher Education ; by Phenomenological Approach

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۳/۲۸، تاریخ ارزیابی: ۱۳۹۲/۰۸/۱۳، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۱/۰۵

Dr.Maghsoud Farasatkhhah

**Abstract:**Overcoming quantity and money on higher education in Iran has weakened the utopic perception of academic studies. The essence of learning and teaching science , discussion in the classroom and the excitement of discovery has been problematic. Empty seats are the result of irregular growth in our higher education. Still ,some parents take their children out of the country and region, and sometimes they send them not to so accredited universities .The quality of a student 's education depends on the perception of university that s/he has in her or his mind. Research question in this study is about the students ' perceptions of the quality of university and higher education. The research was conducted using qualitative methods. The author has attempted to analyze the content of :1. records of his professional notes, 2. conversations with colleagues and 3. conversations with students. Phenomenological framework for understanding students' perceived quality is obtained . The purposive sample consisted of 291 semantic units of three groups of Evidence related to 1383 to 1393 are has been selected. The quality of education is dependent on the meaning network, that the students experiences have formed it about people , services, functions that providing the needs , plans and manifests , performances ,opportunities, facilities and infrastructures, aesthetics, symbols , expectations, reputation and events.

**Keywords:** Higher Education, Quality, student, programs and courses, semantic network, student lived experience, Phenomenology

### دکتر مقصود فراساتخواه<sup>۱</sup>

چکیده: کمی شدن و پولی شدن بدقواره، انگاره آرمانی از تحصیل دانشگاهی در ایران را مخدوش ساخته است. گوهر علم ورزی و درس و بحث و شوق اکتشاف، بحث انگیز شده است. پدیده صندلی های خالی از نخستین آثار دوره ای پرباتلاست که در آن قرار است آموزش عالی تاوان رشد بی رویه خود را بدهد. این در حالی است هنوز خانواده ها فرزندان خود را به خارج و منطقه و گاهی کم اعتبارترین دانشگاه ها می فرستند. اگر دانشجو خوب درس می خواند یا نمی خواند، اگر برای مدرک می آید یا در صدد خلاقیت است همه را باید در این دید که چه معنایی از دانشگاه و از بودن در دانشگاه در ذهن دارد. پرسش تحقیق حاضر این است که ادراک دانشجویان از دانشگاه ایرانی و آمدن به دانشگاه و درس خواندن در آن و فارغ التحصیل شدن از آن چیست؟ تحقیق به روش کیفی است. نویسنده با تحلیل محتوای تجارب آموزشی خویش و با استفاده از یادداشتهای حرفه ای و نیز از طریق تفسیر پدیدارشناختی گفتگوهایش با همکاران علمی و دانشجویانش، چارچوبی برای فهم پدیدارشناختی کیفیت ادراک شده دانشجو فراهم آورده است. ۲۹۱ واحد معنایی از سه نوع یادداشت ثبت شده (خاطرات روزانه حرفه ای، گفتگو با همکاران هیأت علمی، گفتگو با دانشجویان) به عنوان چارچوب نمونه هدفمند انتخاب شده از بازه زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ رمورد تأمل پدیدارشناسانه واقع شده است. کیفیت تحصیلات دانشگاهی تابعی از شبکه تودرتویی از معانی در تجربه های واقعا زیسته دانشجویی است. کیفیت برنامه درسی و آموزشی چگونه است ؟؟ این منوط به آن است که دانشجو به تحصیل دانشگاهی چه معنایی می دهد؟ معنایی که در شبکه ای از تداعی های ذهنی از آدمها، خدمات، کارکردهای تأمین نیاز، برنامه ها و بویانه ها، عملکردها، فرستها، امکانات وزیر ساختها، زیبایی ها، نمادها، انتظارات، آوازه ها و رخداده ها شکل می گیرد.

**کلمات کلیدی:** تحصیلات دانشگاهی، کیفیت، دانشجو، برنامه های آموزشی و درسی، شبکه معانی، تجربه زیست دانشجویی، پدیدارشناسی

## مقدمه

با سیطره کمیّت و انبوهگی بر آموزش عالی ایران، درک یوتوپیک از تحصیل دانشگاهی روز به روز به محاق می‌رود. هر جا و هر وقت که کلاس‌های دانشگاهی خالی از روح علم و ورزی و تنش آموختن و مهمه نقد و مباحثه و شوق اکتشاف شدند باید دانست که کیفیت برنامه درسی رخت بر بسته است. در طی دو برنامه توسعه پنجساله (چهارم و پنجم) دولت به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی اجازه داد که دانشجویی مازاد بر سهمیه آموزش رایگان بگیرند و هزینه‌های تحصیلی آن را از دانشجویان بستانند. کار آنها اکنون به جایی رسیده است که طبق یک برآورد ۲,۶ برابر ظرفیت واقعی خود دانشجو می‌گیرند (روشن، ۱۳۸۹). از ۴,۶۸۴,۹۲۶ نفر دانشجو در ایران، حدود یک و نیم میلیون در آزاد اسلامی، نزدیک به نیم میلیون در غیر انتفاعی‌ها، متجاوز از یک میلیون در واحدهای پیام نور هستند و با احتساب حدود نیم میلیون دیگر در علمی کاربردی‌ها و فنی حرفه‌ای و نیز شبانه‌ها و پردیس‌ها و... در واقع ۳,۹۳۰,۰۸۳ نفر برای تحصیل خود به انحای مختلف شهریه می‌دهند که ۸۴ درصد جمعیت دانشجویی را دربر می‌گیرد. این فقط بخش قابل مشاهده کوه یخ پولی شدن بی قواره آموزش عالی ایران است. (فراستخواه، ۱۳۹۳).

دانشجویان دارند غالباً نقش مشتریانی پیدا می‌کنند که از یک نوع بازار مکاره بناگزیر می‌خواهند مدرکی کالا شده فراهم بیاورند. گاهی از طرز در کلاس نشستن بخشی از این دانشجویان و به استاد نگریستن شان و به درس گوش دادن و رفتارهای کلاسی و فعالیت تحصیلی و رفت و آمد شان به پردیس و ورقه نوشتن و انواع دلمشغولی‌ها در حین تحصیلاتشان می‌توان دریافت که دیگر اینان آن دانشجویان آرمانی سابق نیستند.

از سوی دیگر تقاضای اجتماعی انبوه به آموزش عالی ایران از سالهای ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ و طبق پیش بینی‌های طرح نیازسنجی در مؤسسه (قارون، ۱۳۸۳؛ طائی، ۱۳۸۲؛ طائی، وحیدی و غفرانی، ۱۳۸۲) روبه اشباع گذاشته و در حال کاهش است. مخصوصاً که تغییرات جمعیتی معناداری در ایران روی می‌دهد و متوسط سن بالا می‌رود. آن جمعیت متقاضی پشت دیوار دانشگاه‌ها از حدود یک و نیم میلیون نفر سال ۸۳، در طی سالهای گذشته سال به سال به سمت یک میلیون نفر نزدیک شده است و از ۱۴۰۴۰۰۰ نفر در ۱۳۸۳ تا به ۱۰۸۶۰۰۰ نفر در ۱۳۹۲ رسیده است.

طی سالهای دهه ۷۰ تقاضای بالای اجتماعی به وسوسه ایجاد مؤسسه آموزش عالی تحت عنوان غیر انتفاعی دامن می‌زد به طوری که تعداد آنها از ۷۰-۸۰ نفر اوایل دهه ۸۰، در یک دهه، به بیش از ۳۰۰ مؤسسه در اوایل دهه ۹۰ افزایش یافت، مؤسساتی که حدود نیم میلیون نفر دانشجو را گاهی در ساختمانهای مسکونی جای می‌دهند و با احتساب کمتر از ۳۰۰۰ هیأت

کیفیت برنامه درسی و آموزش دانشگاهی با رویکردی پدیدارشناسانه...

علمی تمام وقت، شاخص دانشجوی به استادشان ۱۶۰ نیز بالاتر است. اکنون اما این مؤسسات با کاهش تقاضای اجتماعی حتی در دوره های کارشناسی ارشد، بازرشان روبه کساد گذاشته و آنها که ضعیف ترند ممکن است اعلام انحلال بکنند. پروژه مشارکت بخش غیر دولتی در آموزش عالی ایران به جای آنکه طبق قاعده به تنوع، استقلال، پویایی، رقابت و کیفیت بینجامد، قدری هم کیفیت نداشته ما را مخدوش تر کرده است. علت این امر را می توان آن دانست که سیاستها وساختارهای موجود و زمینه های تاریخی و فرهنگی مانع از آن می شود بخش غیردولتی نیرومند و مستقل و مولد ایران فرصت تکوین و توسعه لازم برای مشارکت نوآورانه و کیفی در آموزش عالی پیدا بکند.

امروز از صندلی های خالی در دانشگاه صحبت می شود. تعداد داوطلبان کنکور و پذیرش دانشگاهی سال به سال در حال کاسته شدن است. حتی خانواده هایی فرزندان خود را به جای دانشگاه های ایران به خارج و منطقه و گاهی کم اعتبارترین دانشگاه ها مثلا در مالزی و امارات متحده و هند ومانند آن راهی می کنند. آنها نیز که به دانشگاه می آیند گفته می شود بیشتر برای اخذ مدرک است.

برای افت تحصیلی در کلاس های درس همچون مشکلات جدی کیفیت در آموزش عالی انبوه ایران شواهد اندکی نیست. نویسنده طی سه دهه تجربه تدریس در دانشگاه ها این روند را به رأی العین و ترم به ترم تجربه کرده است و می کند. مراودات نویسنده با دانشجویان زیاد است و در کلاس و بیرون از کلاس و در کار راهنمایی یا مشاوره برای پایان نامه های دانشجویان و نیز روابط دوستانه زیادی با آنها از طریق پاسخگویی به سؤالات علمی و گاهی فکری، اجتماعی و خانوادگی شان داشته است. این تجربه و نیز مذاکرات روز مره طی سال های متمادی با همکاران دانشگاهی و مخصوصا دودهه تحقیق درباره آموزش عالی کشور مجموعا دست به دست هم داده است و پرسش مطالعه حاضر را در ذهن پیشنهاد دهنده به وجود آورده است و آن پرسش این است که راستی ادراک دانشجویان از دانشگاه ایرانی و آمدن به دانشگاه و درس خواندن در آن و فارغ التحصیل شدن از آن چیست؟ خیلی از مسائل کیفیت دانشگاه ایرانی و کیفیت تحصیلات دانشگاهی و کیفیت زندگی دانشجویی را باید از این طریق پی جویی کرد.

تحقیق حاضر به روش کیفی است. نویسنده با تحلیل محتوای تجارب آموزشی خویش و با استفاده از یادداشتهای حرفه ای نه چندان اندک و نیز از طریق تفسیر پدیدارشناختی گفتگوهایش با همکاران علمی و دانشجویانش، چارچوبی برای فهم پدیدارشناختی کیفیت در ادراک دانشجوی به دست آورده است. تحقیق کیفی اصولا مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی -برساخت گرای اجتماعی است. مواضع پارادایمی تفسیری- برساختی، همه مراحل تحقیق کیفی از طرح

مسئله تا تحلیل داده های؛ کیفی را جهت می دهد. خود مردم نگاری<sup>۱</sup> در اینجا به مثابه شیوه ای برای فراهم آوردن توصیف فربه و سیستماتیک غنی از تجربه های حرفه ای و تعاملات روزمره نویسنده تلقی شده است (بازرگان، ۱۳۸۷؛ یوسفی و تابعی، ۱۳۹۱؛ کرسول، ترجمه ۱۳۹۱؛ فلیک، ترجمه ۱۳۸۷؛ عابدینی، ۱۳۸۳؛ سالکوفسکی، ترجمه ۱۳۸۴؛ رابینگتون و واینبرگ، ترجمه ۱۳۸۳؛ Streubert and Carpenter, 2011؛ LeBlanc, 2010؛ Aspers, 2009؛ Langdridge, 2007).

### پیشینه تحقیقات و پس زمینه نظری تحقیق

ماکس وبر از پیشقدم ترین جامعه‌شناسانی بود که به تأثیر مهم فهم و تفسیر ما از اعمال خویش توجه نظری کرد. کردارهایی که انجام می‌دهیم (خوب یا بد) متناسب با معنایی است که از آن کردارها داریم. معنایی جای گرفته در ذهن در پس پشت اعمال ما هست (بندیکس، ۱۳۸۲). بر این اساس اگر دانشجو چنین می‌کند و چنان می‌کند، اگر خوب درس می‌خواند یا نمی‌خواند، اگر برای مدرک می‌آید یا در صدد خلاقیت و اکتشاف است و مابقی قضایا، یک عامل مهمش را باید در این دید که چه معنایی از دانشگاه واز بودن در دانشگاه در ذهن دارد. از صاحب‌نظران ایرانی نیز مسعود چلبی به معنای کنش‌های ما توجه نظریه پردازانه کرده است. وی چهار سازند یک کنش را ۱- فرصت ۲- نیاز ۳- انتظار ۴- معنا دانسته است واز این طریق کوشیده است ابر تابع رفتار را تبیین بکند. ما دست به کاری می‌زنیم چون هم فرصت آن را داریم یا می‌توانیم به وجود بیاوریم و هم فکر می‌کنیم به مدد آن کار فرصت یا فرصتهای بیشتری از فرصتهای مختلف در محیط وجامعه نصیب ما می‌شود. مثل فرصتهای مادی و معنوی و ارتباطی و پیشرفت و منزلت و تحرک اجتماعی و رفاه و پرستیژ. مؤلفه دیگر شکل دهنده به رفتار ما انواع نیازهای ماست مانند نیازهای زیستی، ایمنی، ارتباطی و شناختی. مؤلفه سوم انتظار است. عملی را انجام می‌دهیم چون فکر می‌کنیم نقش خود را ایفا می‌کنیم و پدر و مادر یا هم‌آنان و گروه‌های مرجع و جامعه از ما چنین انتظار دارند. سرانجام دلیل رفتار ما معنایی است که برای آن رفتار قائل هستیم ویا معنایی است که به عمل خویش می‌دهیم. نگرش‌های ما در کنش‌های ما تأثیر دارند (چلبی، ۱۳۹۰). محققان قبلی به دلایلی که دانشجویان در ذهن برای رفتارهای خود دارند توجه کرده‌اند. (Annamalai & Muniandy, 2013) در ایران تحقیقی با عنوان بررسی عوامل اجتماعی موثر بر میزان تولید و مصرف نوشتار در بین دانشجویان انجام گرفته است (محمدی، ۱۳۹۳).

<sup>1</sup> Autoethnography

## یافته ها

بر مبنای حساسیت نظری به دست آمده از مرور متون و منابع و پس زمینه نظری، محقق به بررسی کیفی و فعال پدیدارشناختی موضوع تحقیق خود مبادرت کرده است. مجموعاً ۲۹۱ یادداشت به عنوان چارچوب نمونه هدفمند انتخاب شده از بازه زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ به شرح زیر مورد تأمل پدیدارشناسانه قرار گرفته است:

**جدول ۱- چارچوب نمونه تحقیق شواهد/ واحدهای معنایی**

مستندات گفتگوها با دانشجویانی که با نویسنده درس یا پایان نامه داشتند (با کد «د»)	مستندات گفتگوها با همکاران دانشگاهی نویسنده؛ استادان دانشگاه و اعضای هیأت علمی (با کد «ه»)	یادداشت شخصی انتخاب شده که معمولاً در پایان روز و شبها از خاطرات روزانه توسط نویسنده (با کد «خ»)
تعداد ۱۰۱ واحد معنایی ثبت شده	تعداد ۷۰ واحد معنایی ثبت شده	تعداد ۱۲۰ واحد معنایی ثبت شده

کیفیت ادراک شده تحصیلات دانشگاهی بر اساس این بررسی در چند گروه معنایی که در ذهن دانشجویان شکل می‌گیرد، دسته بندی شد. دانشجو چه معنایی از آمدن به دانشگاه و بودن در آن و از تحصیل دانشگاهی دارد. این معنا از طرق مختلفی فراهم می‌آید و شبکه ای به وجود می‌آورد که می‌تواند حاوی یا فاقد کیفیت تحصیلات دانشگاهی برای دانشجو باشد. بر مبنای شواهدی بالغ بر ۲۹۱ واحد معنادار، مجموعاً گروه های معنایی دوازده گانه ای به شرح زیر دسته بندی شده اند، که در هر دسته نمونه ای از شواهد ذکر می‌شود:

**جدول ۲- توزیع شواهد در ۱۲ گروه معنایی**

جمع	شواهد/ واحدهای معنادار			گروه های معنایی
	کد «د»: مستندات گفتگو با دانشجویان	کد «ه»: مستندات گفتگو با همکاران هیأت علمی	کد «خ»: خاطرات شخصی روزانه و حرفه ای	
۲۳	۹	۵	۹	۱. آمه های معنادار
۲۲	۷	۸	۷	۲. خدمات معنادار
۳۰	۱۵	۵	۱۰	۳. کارکردهای تأمین نیاز
۹	۲	۲	۵	۴. برنامه ها و بیانیه های معنادار
۳۷	۹	۱۱	۱۷	۵. عملکرد معنادار
۳۸	۱۳	۱۰	۱۵	۶. فرصتهای معنادار
۲۶	۹	۸	۹	۷. امکانات زیر ساختی

معنادار				
۸. زیبایی های معنادار پردیس	۴	۱	۵	۱۰
۹. نمادهای معنادار	۱۳	۷	۶	۲۶
۱۰. انتظارات واقعا جاری	۱۰	۸	۱۱	۲۹
۱۱. شهرت	۱۲	۳	۷	۲۲
۱۲. رویدادهای معنادار	۹	۲	۸	۱۹
جمع کل شواهد	۱۲۰	۷۰	۱۰۱	۲۹۱

### ۱. آدمهای معنادار

معنای بودن در دانشگاه ممکن است از طریق ارتباط دانشجو با عاملان دیگر در دانشگاه (مدیران، معلمان، کارکنان و...) در ذهن او شکل می‌گیرد و بر کیفیت تحصیلش اثر بگذارد. به قول یکی از همکاران «ما در آینه نحوه درس خواندن دانشجویان مان باید نحوه درس دادن خودمان را تماشا بکنیم» («ه» ۵۶). دانشجویی به نویسنده چنین گفت: «حداقل آدم می‌تواند بگوید در جایی درس می‌خواند که چلبی آنجاست، سریع القلم آنجاست، محقق داماد آنجاست، رشیدیان آنجاست...» («د» ۲۸). دیگری گفت «روابط انسانی دکتر پرداختچی با دانشجو جماعت و اصولا با همه فوق العاده است، مثل خیلی های دیگر فیس و افاده بیخود ندارد. مردم دار و شوخ و بذله گوست» («د» ۵۰).

### ۲. خدمات معنادار

همچنین تجربه ای که دانشجو از شیوه های انجام خدمات مختلف پشتیبانی در دانشگاه دارد می‌تواند در کیفیت درس خواندندش تأثیر بگذارد. بارها دیده ام که در زمان تشکیل کلاسها، پرسر و صداترین کارهای تعمیراتی در راهروهای دانشکده انجام می‌شود («خ» ۹۸) به جای اینکه آن را در روزهای تعطیل یا حد اقل در زمانهای عصر و شب انجام بدهند. دانشجویی معتقد است که «سیستم گلستان خوب شده است حداقل از کاغذبازی های سالهای قبل قدری راحت شده‌ایم» («د» ۱۱) البته دیگری فکر می‌کند «امکانات هست ولی خوب نگهداری نمی‌شود» («د» ۷۲).

### ۳. کارکردهای تأمین نیاز

یک معنای مهم اثر گذار در کیفیت تحصیلات دانشگاهی، مطلوبیتهایی در دانشگاه هست که سطوح مختلف نیازهای دانشجویان را تأمین می‌کند از نیازهای زیستی و بدنی مثل تغذیه و رفاه تا نیازهای دوستی و ایمنی و اجتماعی و خود شکوفایی. نمونه اش امکانات ارتباطی و هویتی

کیفیت برنامه درسی و آموزش دانشگاهی با رویکردی پدیدارشناسانه...

است. دانشجویان خصوصا در دوره‌های کارشناسی، بودن در دانشگاه را نه فقط از حیث درس خواندن بلکه به دلیل تجربه یک زندگی مستقل از خانواده، پیدا کردن دوستان تازه و انواع ارتباطات و پی گیری سلیقه‌ها و ذوق‌های مورد نظر خود در سبک زندگی معنا می‌بخشند. («خ» ۹) به عبارت دیگر دانشگاه از حیث ایجاد شرایطی برای ابراز وجود و هویت شخصی و اجتماعی آنها برای شان کارکرد معنا داری پیدا می‌کند. برای همین است که بارها دیده ایم کیفیت تحصیلی دانشجویان تحت تأثیر این نوع فرصتها و ارتباطات در محل دانشکده یا دانشگاه یا خوابگاه قرار می‌گیرد («ه» ۶۶). کلاس درسی نه در خلأ بلکه در یک فضای اجتماعی دانشگاهی معنا پیدا می‌کند و کیفیتش تابعی از این معناست. دانشجویی می‌گوید «دوستان خوبی در اینجا پیدا کرده‌ام. دربارهٔ درسهای مان با هم مشورت می‌کنیم. گپ می‌زنیم. گاهی با هم می‌گردیم و تجربه‌های خوبی با هم داریم» («د» ۴۷). نویسنده به کرات مشاهده کرده است که دانشجویی پس از پایان درس در کلاس نزد او آمده است و با حس آشکاری از وی با زبان آذری پرسیده است شما آذری هستید و چون بنده از شهر خود گفته‌ام و از شهر او پرسیده‌ام همین موضوع هم قومیتی تا آخر ترم در نحوهٔ درس خواندن ایشان در کلاس من تأثیر گذاشته است. («خ» ۲۳) شواهد زیادی هست که نشان می‌دهد ارتباط با دوست هم قومیتی دانشجویان (مثل آذری و کردی و...) یا سایر ارتباطات معنا یافته، در سبک تحصیلی شان اثر می‌گذارد («خ» ۷۲).

#### ۴. برنامه‌ها و بیانیه‌های معنادار

از سوی دیگر به تجربه رسیده است که دانشجویی به هر آنچه دانشگاه می‌گوید و می‌نویسد و بیان می‌کند حساس است. دانشگاه‌های دنیا در سایت خود بیان بلیغی از چشم انداز، مأموریت و برنامه‌ها و راهبردهای شان درج می‌کنند. عکس پردیس و تصاویری از دانشجویان در حال درس خواندن و آزمایش کردن یا بازی کردن را نشان می‌دهند («خ» ۱۳) «وقتی می‌خواستم انتخاب رشته بکنم به سایت دانشگاه مراجعه کردم ولی چیزی دست گیرم نشد. روی شنیده‌هایم اینجا را انتخاب کردم» («د» ۴). در کنار در رئیس دانشکده‌ای از دانشکده‌های دانشگاه تهران، منشور کیفیت آموزشی در تابلویی زیبا به صورت زرکوب نصب شده است و در آن تعهدات مدیریت دانشکده به کدهای اخلاقی و التزام مدیریت به کیفیت بیان شده است. همه اینها مطمئنا معنا و دلگرمی خوبی برای کیفیت تحصیلات دانشگاهی دانشجویان فراهم بیاورد. همیشه با خود می‌گویم که ای کاش ما شاخصها و روالهای معیارمان را بر روی در کلاسها و راهروهای دانشگاهی مان بنویسیم. این در حالی است که در ودیوار دانشگاه پر از نوشته‌های دیگری است که همه چیز هستند جز کیفیت درس دادن و درس خواندن. ما با واژهٔ کیفیت تعارف می‌کنیم و واژه‌های جاری واقعی ما چیز دیگری است. («خ» ۸۹). اما آیا آنچه بیان می‌کنیم کافی است؟ نه مطمئنا.

## ۵. عملکرد معنادار

بارها دریافته‌ام که در تجربه دانشجویان، عملکرد ما مهم‌تر از حرفها و بیانیه‌ها و اظهارات رسمی است «صدای اعمال مهم‌تر از صدای الفاظ است» («خ» ۱۸). کیفیت برنامه درسی اجرا شده مهم‌تر از کیفیت ظاهرا وانموده شده در برنامه‌های درسی تصویب شده است. هرچه هم برنامه درسی خوش‌ترکیب و خوش‌متنی داشته باشیم اما مهم این است که در کلاسهای واقعا اجرا شده، چه کیفیتی در تجربه زیست تحصیلی ثبت می‌شود. «در کلاس یک مشت نظریات ترجمه‌ای از سوی استاد ذکر می‌شود، نه فرصت بحثی هست، نه مسأله ملموسی ذکر می‌شود، نه کاربردی در مد نظر هست، کتابی معرفی می‌شود تا در پایان ترم حفظ کنیم و نمره بگیریم» («د» ۳۳) حتی دانشجویان به بیش از این هم فکر می‌کنند و کیفیت برنامه درسی کسب شده را می‌جویند. مثلا قبول شدن دوستان شان در دوره‌های دکتری، امتیازات و جوایز («خ» ۵۵). یک عامل مهم معنا ساز از این دسته، جو سازمانی گروه یا دانشکده و دانشگاه است. آیا جو دوستی و همکاری و صمیمیت و فعالیت تیمی و تعهد و اعتماد و پیوند و مشارکت است یا دانشجویان ما اعضای هیأت علمی را بیگانه از همدیگر می‌بینند و شاهد همکاری علمی و تدریس تیمی ما نیستند و حتی به صورت تلویحی متوجه مشکلات ما با همدیگر و رقابت‌های منفی مان هستند. این تأثیر مخربی بر کیفیت می‌گذارد. («خ» ۴۷).

## ۶. فرصتهای معنادار

دانشجویان کنجکاو هستند که در دانشگاه بودن حاوی چه فرصتهای معناداری برای آنهاست. «برخی استادان خوب اند ما را به سازمانهایی که آشنا هستند معرفی می‌کنند و در آنجا کارآموزی یا پروژه‌ای می‌گیریم. اینها می‌تواند در شغل یابی بعدی ما تأثیر بگذارد» («د» ۹۱). گاهی دانشگاه چنین معنایی پیدا نمی‌کند «زیاد به آینده شغلی رشته خودم امیدوار نیستم. چند سال باری به هرجهت در اینجا هستیم. بعد به خدمت می‌رویم و پس از آن شاید یکی دیگر از خیل بیکاران جامعه باشیم یا مجبور شویم کار کاملا غیر مرتبطی با رشته مان پیدا بکنیم» («د» ۱۱).

## ۷. امکانات زیر ساختی معنادار

«سرعت اینترنت نسبت به برخی جاهای دیگر بدک نیست حداقل در اینجا می‌توان فول تکست بسیاری از مقاله‌ها را دانلود کرد متأسفانه فیلترینگ نمی‌گذارد در اینترنت وقتی به سایتها می‌رویم آنقدر باید از فیلتر شکن و دوز و کلک‌ها استفاده بکنی که نوعی حس سرقت از بانک به تو دست می‌دهد، دزد‌ها اینقدر مراقبت نمی‌شوند که محققان در اینترنت می‌شوند. مثلا به خاطر کلمه اسرائیل مقاله فیلتر می‌شود!» («د» ۳)

## ۸. زیبایی‌های معنادار پردیس



کیفیت برنامه درسی و آموزش دانشگاهی با رویکردی پدیدارشناسانه...

«سربالایی اش نفس گیر است. اما درختان و گلها و فضای سبزش چرا، بی تأثیر نیست. آرامشی ایجاد می کند. گاهی در این آلاچیق ها می نشینم و به آن کوه ها می نگرم. از این جهت خوب است و در درس خواندن من اثر خوبی دارد» («د» ۶۱)

#### ۹. نمادهای معنادار

دانشجویی که در دانشگاه تهران درس می خواند می گوید من در نخستین دانشگاه کشور که ۸۰ سال عمر دارد تحصیل می کنم. دانشجویی که در دانشگاه شهید بهشتی درس می خواند می گوید این همان دانشگاه ملی سابق است که بزرگترین دانشگاه غیردولتی قبل از انقلاب بود. اینها می توانند جنبه نمادینی داشته باشند و الهامبخش درس و پیشرفت و کیفیت تحصیلی بشوند. اما اگر در صدر دانشگاه های کشور این دانشگاه باشد که من از نزدیک شاهد نواقص و ایرادهای جدی آن هستم، وای به حال دانشگاه های دیگر، دانشگاه های شهرهای کوچکتر، دانشگاه آزاد، پیام نور، علمی کاربردی، مؤسسات غیر انتفاعی و... («د» ۵۵) از وجوه نمادین دانشگاه مناسک و شعائر و آیین های علمی در آن است. دانشجویان در جلسات دفاع و با دیدن نتایج رساله کارشناسی ارشد و تز دکتری دوستان شان و نقد داوران و اختلاف نظرهای استادان و بحث و روشمند آنها درباره این اختلاف نظرها، فرایندی از جامعه پذیری علمی را طی می کنند و هنجارهای آکادمیک را درونی می سازند. اما اگر ضد معناها وضد نمادها بگذارند: «چندین اس ام اس خودم دریافت کرده ام که کارهای پایان نامه ات را برایت انجام می دهیم» («د» ۷۰) از سوی دیگر «کسانی از همکاران را بارها شنیده ام که به دانشجویی می گوید اگر با من کاری نداشته باشی درج نامم به عنوان استاد راهنما مانعی ندارد» («ه» ۲۳) و انگهی «تحقیق بکنی یا نکنی، هیچ فرق نمی کند. یک یا نیم نمره این ور آن ور با درجه عالی پایان نامه ات را می پذیرند و بعد در جامعه و موقع استخدام کیه که به محتوای آن توجه بکنه، بیشتر همان جلد گالنگور و قطر آن است که شاید به چشم می آید» («د» ۴۵). آیا با این وضعیت می توان از کیفیت تحصیل دانشگاهی سخن گفت.

#### ۱۰. انتظارات واقعا جاری

دانشگاه وقتی کیفیت خواهد داشت که جامعه ما و اقتصاد و مدیریت ما واقعا متقاضی علم و مهارت و صلاحیتهای حرفه ای باشد. اما شواهدی هست که نشان می دهد وضعیت کنونی جامعه بیش از علم و آگاهی، از شما تمکین و همراهی می خواهد. مدیر به کارمند سربه زیر نیاز دارد. حکومت در عمل، رعیتی مطیع می خواهد. اقتصاد با منابع نفت و وراثت می چرخد نه با کارایی و دانش. استخدام کننده مدرک می خواهد نه خلاقیت. پدر و مادر انتظار دارند با هردوز و کلکی شده، وارد کاری شویم و استادان نیز لابد انتظار دارند سخنرانی های آنها را تحویل بگیریم و در ورقه امتحانی صحیح و سالم پس بدهیم. پس انتظار واقعا موجود گروه های مرجع چیزی بجز یادگیری

با کیفیت و علم با کیفیت است «جامعه با این فرهنگ و سیستم ها و ساختارهایی که دارد آیا واقعا از ما تفکر می‌خواهد یا تملق؟ آیا در استخدام به دانش ما توجه می‌کنند یا روابط است که کار ساز می‌شود؟ بیشتر نزدیکی به جناح ها و آدمهای سیاسی با نفوذ است که آینده شغلی ما را رقم می‌زند و سپس زد و بند ها و دوز و کلکها، و نه صلاحیتهای علمی.» («د» ۸) چه انتظاری از مادارد

#### ۱۱. شهرت

شهرت دانشگاه های بزرگ دنیا بزرگترین موجد انگیزه های تحصیل و فعالیت و خلاقیت و تولید کیفیت در دانشجویان و استادان آنهاست. در ایران دانشگاه صنعتی شریف، مشهور شده است که دانشجویانش را در دنیا در به در می‌جویند تا پذیرش بدهند. همین می‌تواند نیاز به تجربه کیفیت را در دانشجویانش تکان بدهد. برعکس در ایران دانشگاهی بزرگ در تهران را هم داشتیم که شرت منفی پیدا کرد، به خاطر رئیسی که سالها در آنجا برمسند نشست و انواع رفتارهای سیاسی و ایدئولوژیک دون شأن یک رئیس دانشگاه انجام داد. نویسنده از نزدیک این دانشگاه را قبل از این رئیس هم دیده بود و مشاهده می‌کرد چقدر رفتارهای این رئیس، به کیفیت فعالیتهای آموزشی و پژوهشی دانشگاه لطمه می‌زد. («خ» ۴۹).

#### ۱۲. رویدادهای معنادار

«من می‌توانستم هم در دانشگاه تهران وهم اینجا قبول بشوم اما پدرم اصرار داشت شهید بهشتی را بزنم. حوادث کوی دانشگاه تهران و زد و خورد های سیاسی داخل دانشگاه پدرم را سخت نگران ساخته بود. برای همین وقتی آن سال می‌خواستم وارد دانشگاه شوم تید کرد به جای آنجا اینجا را انتخاب بکنم، چون فکر می‌کرد دانشگاهی کمتر سیاسی و آرام است.» («د» ۸۰)

#### بحث و نتیجه گیری

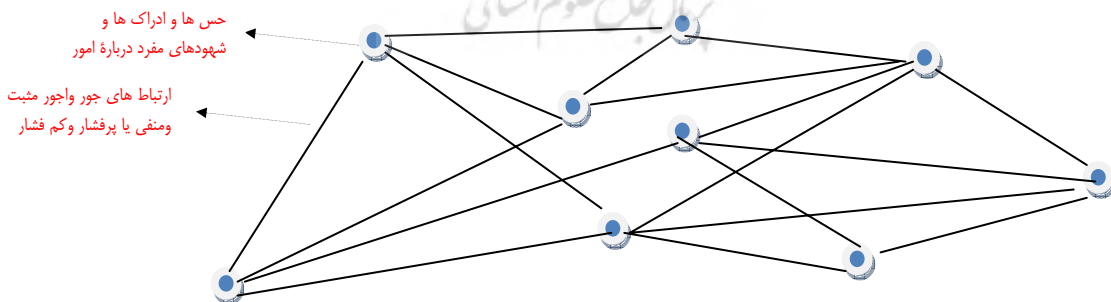
کیفیت تحصیلات دانشگاهی تابعی از یک سند رسمی تصویب شده از برنامه درسی نیست. کیفیت آموزش دانشگاهی تابعی از شبکه تودرتویی از معانی در تجربه های واقعا زیسته تحصیلی است. پدیدار شناسی یک کردار های اجتماعی با فهم شبکه تداعی ذهنی مردمان میسر می‌شود. ادراک ما از امور و احساس ما درباره امور تابعی از این تداعی ها هستند. با بذر این ادراکات هست که فهم ها و معانی و تفسیرهای مرکب تر و پیچیده تر بعدی مان تکوین پیدا می‌کند. تصویرهای ذهنی مردم از خود و دیگران و نهادها و فعالیتها بر روی موجی از این تداعی های آزاد ذهنی و فهم ها و تفاسیر مترتب بر آنها شکل می‌گیرد و بالا و پایین می‌شود و تعاملات اجتماعی افراد و گروه ها را این سو و آن سو می‌کنند. تصویر ذهنی از یک موضوع و تفسیر و تعبیر آن یکسره عینی نیست بلکه

کیفیت برنامه درسی و آموزش دانشگاهی با رویکردی پدیدارشناسانه...

عناصر ذهنی (اعم از ادراکی و احساسی) و عناصر وجودی (اگزیستانسیل) نیرومندی دارد. مثلاً چنین نیست که انگاره شما از یک رستوران تنها تابعی از یک غذای واقعا خوب به معنای عینی و یا حتی فقط تابعی از مشخصات فیزیکی و موقعیت مکانی آن باشد. بلکه برحسب تجربه هایی که قبلاً داشتید ممکن است رد شدن از مقابل آن رستوران در یک روز قشنگ بهاری، تیپ افرادی که در رفت و آمد به آنجا دیده اید، موسیقی که یک بار هنگام غذاخوردن در آنجا در احساس شما نفوذ کرده است، صرف ترکیب غذایی لذیذی در یک وقت گرسنگی زیاد و برحسب نیازهای بدن تان در آن موقع به مواد غذایی خاص، تلاطم معماری یا نحوه مدیریت آن رستوران با نهنگاه های ناشناخته فردی و شهودی شما، شلوغی یا آرامی اتفاقی آن، زمانی که یک بار رفته بودید، رفتار موردی یکی از کارکنانش، روایت کسی که شما به او اهمیت قائل اید، شهرت رستوران در میان گروه های اجتماعی که با آنها سر و کار دارید، حتی رنگی که در زمینه تابلوی رستوران برای شما اتفاقاً چشم نواز شده یا نوع در و پنجره اش و انواع استعاره ها و متغیرهای نشانه شناختی در فراهم آوردن تصویر ذهنی شما از آن رستوران، چه خود آگاه و چه ناخودآگاه شرکت داشته اند.

شبکه تداعی ذهنی دربرگیرنده گره ها و رشته های ارتباطی میان آنهاست. در این شبکه انواع حس ها و ادراک ها و شهودهای مفرد درباره امور، گره ها را تشکیل می دهند و با هم ارتباط های جور واجور مثبت و منفی یا پرفشار و کم و فشار برقرار می کنند و بدین ترتیب است که جریان تداعی های ذهنی درباره امور و فهم ها و ادراکات خودتفسیر ما درباره امور در پیرنگی از سطح انتظارات و تجارب زیسته ما به راه می افتد.

### جریان تداعی های ذهنی درباره امور و فهم ها و ادراکات خودتفسیر ما درباره امور در پیرنگی از سطح انتظارات و تجارب زیسته ما



حس ها و ادراک ها دربارهٔ امور می‌تواند عنصر کارکردی، یا احساسی یا مبتنی بر شهرت داشته باشند. در مثال فوق « صرف ترکیب غذایی لذیذی در یک وقت گرسنگی و برحسب نیازهای بدن تان در آن موقع به مواد غذایی خاص » فراهم آورندهٔ تصویر ذهنی کارکردی<sup>۱</sup> است. اما « موسیقی که یک بار هنگام غذا خوردن در آنجا در احساس شما نفوذ کرده است » تصویر ذهنی احساسی<sup>۲</sup> است. همان گونه « شهرت رستوران در میان گروه های اجتماعی که با آنها سر و کار دارید » تصویر ذهنی برآمده از شهرت و اعتبار<sup>۳</sup> اجتماعی است. نهایتاً « تلائم معماری یا نحوهٔ مدیریت آن رستوران با نهنگاه های ناشناخته فردی و شهودی شما » عنصری وجودی و (گزینستانسپیل) در تصویر ذهنی شماست.

از این رهگذر است که هر عامل اجتماعی، نسبت های متفاوتی با امور و موجودیتهای مختلف پیدا می‌کند. این نسبت دارای دو مؤلفه مهم است. مؤلفهٔ نخست ، حالت وجودی است و مؤلفهٔ دوم ، آماد ذهنی است. هر دو مؤلفه نیز تحت تأثیر محیط، تجارب ، سطح انتظارات و یادگیری های ماست. در مثال فوق تلائم معماری یا نحوهٔ مدیریت آن رستوران با نهنگاه های ناشناخته فردی و شهودی نوعی حالت وجودی در ما نسبت به آن رستوران ایجاد می‌کند و شوق رفتن به آنجا داریم. در همان مثال تصویرها و تداعی های ذهنی ناشی از صرف ترکیب غذایی لذیذ یا شنیدن موسیقی خوشایند یا شهرت رستوران و نمادهای فرهنگی موجود در آن نیز در ما یک «آماد ذهنی» خاصی نسبت به آن رستوران ایجاد کرده است و احتمال تکرار رفتار ما برای انتخاب عقلانی و اجتماعی آن رستوران را جهت میهمان کردن یک دوست افزایش می‌دهد. بنابراین انواع تداعی گر ها از یک موجودیت به سوی عاملان اجتماعی گسیل می‌شود ، به شبکه ای از تداعی ذهنی و تفاسیر آنها دامن می‌زند، مداخلات مدیریتی تعالی بخش نیز این جریان را تقویت می‌کند و در نتیجه این فرایند است که حالت های وجودی و آماد های ذهنی در عاملان به وجود می‌آید و متراکم می‌شود و منشأ رفتار اجتماعی آنان با آن موجودیت می‌شود.

اگر این موجودیت را دانشگاه ایرانی در شرایط امروزی و عامل اجتماعی را دانشجو و رفتار او با این موجودیت را تحصیلات دانشگاهی بدانیم، کیفیت تحصیل دانشجو و کیفیت برنامه درسی اجرا شده و کسب شدهٔ او و کیفیت دورهٔ آموزشی واقعا محقق شده تنها از طریق شبکه معانی پدیدار می‌شود که در تجربه واقعا زیسته تحصیلی دانشجویان جریان دارد. دانشجو به بودن خود در دانشگاه چه معنایی می‌دهد؟ بازار مکاره ای برای تهیه مدرکی به صورت بدقواره کالایی شده؟ یا میدانی برای علم آموزی، تفکر، نقد واکتشاف و خلاقیت؟ مکانی برای حفظ کردن و نمره

<sup>1</sup> Functional image

<sup>2</sup> Affective image

<sup>3</sup> Reputation

کیفیت برنامه درسی و آموزش دانشگاهی با رویکردی پدیدارشناسانه...

گرفتن؟ یا فضایی اجتماعی برای زیستن و شکفتن و عیان ساختن انواع استعداد های انسانی؟ اینها همه تابعی از شبکه تداعی های معنایی است که دانشجو در دانشگاه از آدمها، خدمات، کارکردهای تأمین نیاز، برنامه ها و بیانیه ها، عملکردها، فر صتها، امکانات وزیر ساختها، زیبایی ها، نمادها، انتظارات، آوازه ها و ور خداده ها دارد.

## منابع:

- بازرگان، عباس(۱۳۸۷).مقدمه ای بر روش های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری.نشر دیدار.
- بندیکس، راینهارد(۱۳۸۲) سیمای فکری ماکس وبر. ترجمه: محمود رامبد. هرمس ۱۳۸۲.
- چلبی، مسعود، (۱۳۹۰)، تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران، نشر نی.
- رابینگتن، ارل و مارتین، واینبرگ (۱۳۸۳) هفت رویکرد نظری به مساله اجتماعی، ترجمه رحمت الله صدیق سروستانی، تهران:انتشارات دانشگاه تهران
- روشن . احمد رضا ، ۱۳۸۹، بهینه سازی ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاههای دولتی ایران ، فصل نامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی ، شماره ۵۸، صص : ۹۷-۱۱۵
- سالکوفسکی، رابرت ( 1384 ) درآمدی بر پدیدارشناسی .ترجمه محمدرضا قربانی،تهران،انتشارات گام نو،چاپ اول.
- طائی، حسن ، پریدخت وحیدی و محمد باقی غفرانی، ۱۳۸۲. نیازسنجی نیروی انسانی متخصص. مؤسسه پژوهش وبرنامه ریزی آموزش عالی.
- طائی، حسن، ۱۳۸۲. بازشناسی و پیش بینی وضعیت منابع انسانی کشور. مؤسسه پژوهش وبرنامه ریزی آموزش عالی.
- عابدینی، یاسمین (۱۳۸۳) مروری برمبانی فلسفی،ویژگی ها و روشهای پژوهش کیفی،فصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی،سال سی و پنجم، شماره ۲، ۱۵۹-۱۸۵.
- فراستخواه، مقصود(۱۳۹۳) نقدی بر نحوه اجرای خصوصی سازی در آموزش عالی ایران. هفته نامه صدا ۱/۱۳۹۳:صص ۳۵-۳۶.
- فلیک، اووه(ترجمه۱۳۸۷) درآمدی بر تحقیق کیفی ،ترجمه هادی جلیلی .تهران،نشر نی. چاپ اول.
- قارون،معصومه، ۱۳۸۳. تحلیل وبرآورد تقاضای اجتماعی ورود به آموزش عالی. مؤسسه پژوهش وبرنامه ریزی آموزش
- کرسول،جان (ترجمه ۱۳۹۱)پویش کیفی و طرح پژوهش:انتخاب از میان پنج رویکرد(روایت پژوهی، پدیدار شناسی،نظریه دادهبنیاد،قوم نگاری و مطالعه موردی ، ترجمه حسن دانایی فرد و حسین کاظمی، نشر صفار- اشراقی تهران، چاپ دوم.

- محمدی، امیر(۱۳۹۳) بررسی عوامل اجتماعی موثر بر میزان تولید و مصرف نوشتار در بین دانشجویان. پایان نامه کارشناسی ارشد، علوم اجتماعی، دانشگاه خوارزمی.
- یوسفی، علی، تابعی، ملیحه(۱۳۹۱) پدیدارشناسی تجربی راهی برای فهم تجربه های دینی، فصلنامه جامعه شناسی تاریخی، دوره ۴، شماره ۱، بهار و تابستان

-Aspers,Patrik (۲۰۰۹) Empirical Phenomenology : A Qualitative Research Approach ,Indo-PacificJournal Of Phenomenology , Volume9,Edition, October ,p 1-12

-Langdrige, Darren(2007)Phenomenological Psychology; Theory, Research and Method. UK: Pearson Education Limited ,The Open University.

-LeBlanc ,Patrice R(2010) A Practical Approach to Qualitative Interviews, The Qualitative Report Volume 15 Number 6 November , 1621-1623

-Streubert H,J and Carpenter D,R(۲۰۱۱) Qualitative Research in Nursing (Advancing the Humanistic Imperative). 5d edit, Philadelphia: Lippincott Williams&Wilkins.

